

بررسی جامعه‌شناختی رمان تاریخی اشک سبلان

فیروز راد*

علی نظری شیخ احمد**

چکیده

موضوع تحقیق حاضر بررسی هم‌ارزی ساختاری بین ساختار زیبایی‌شناختی رمان تاریخی اشک سبلان نوشته ابراهیم دارابی و ساختار ذهنی نویسنده و ایدئولوژی طبقه متوسط در زمان آفرینش آن است. این اثر ادبی بر اساس روش ساخت‌گرایی تکوینی گلدمن در دو سطح دریافت و تشریح بررسی شده است. نتایج حاصل از دریافت و تشریح این اثر ادبی حاکی از آن است که دغدغه نویسنده بررسی علل ناکامی و کامیابی جنبش‌های اجتماعی دوران پهلوی دوم بوده است. ساختار زیبایی‌شناختی و کلیت رمان اشک سبلان دلالت بر مبارزات مردم ایران و سرگذشت جنبش‌های اجتماعی دارد که در آن، روابط متقابل اجزای آن، یعنی تقابل و همکاری گروه‌ها و طبقات اجتماعی، ایدئولوژی طبقه متوسط و دخالت بازیگران خارجی، کامیابی و ناکامی این جنبش‌ها را رقم می‌خورد. **واژگان کلیدی:** جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، ساخت‌گرایی تکوینی، ساختار تکوینی، ساختارهای ذهنی، ساختار زیبایی‌شناختی، طبقه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

پذیرش: ۱۳۹۰/۰۹/۳۰

دریافت: ۱۳۹۰/۰۷/۰۵

rad_291@yahoo.com
alinazari.shah@yahoo.com

* استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور- صندوق پستی ۳۶۹۷-۱۹۳۹۵ تهران، ایران
** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

مقدمه

جامعه‌شناسی هنر و ادبیات به عنوان یکی از رشته‌های فرعی جامعه‌شناسی معرفت، شرایط اجتماعی و فرهنگی آفرینش یک اثر هنری و ادبی را مورد بررسی قرار می‌دهد (توکل و دیگران، ۱۳۸۸: ۷۸).

سه رویکرد اصلی در حوزه جامعه‌شناسی معرفت وجود دارد (توکل، ۱۹۸۷): اولین رویکرد، فلسفی و وجودشناسانه است و مبنای وجودشناختی برای معرفت قائل است به این معنا که معرفت به صورت ناب وجود دارد. در حوزه جامعه‌شناسی هنر و ادبیات این رویکرد متأثر از زیبایی‌شناسی هگلی است که در جنبش رمانتیسم تجسیدیافته و نظریه هنر برای هنر را به عنوان قلمرو تولید هنر قلمداد می‌کند (آشتیانی، ۱۳۳۵). رویکرد دوم جامعه‌شناختی یا غایت‌شناسانه است و معرفت را به هدف برمی‌گرداند و متأثر از ماتریالیسم و پراگماتیسم است. به این معنا که جامعه در حکم علیت اجتماعی برای معرفت‌ها عمل می‌کند و همه معرفت‌ها در اثر شرایط اجتماعی خاص به وجود می‌آیند. رویکرد سوم فلسفی-جامعه‌شناختی است و متأثر از نظریه معرفتی شلر است؛ وی معتقد است که نه جامعه و نه معرفت هیچ کدام علت دیگری نیستند، بلکه اتحاد این دو روند است که تاریخ را تغییر می‌دهد. در حوزه جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، اکثر جامعه‌شناسان در رویکرد دوم قرار می‌گیرند، گروهی که مشتمل بر افرادی چون هاووزر، لوکاج، گلدمن و جانت ولف می‌باشد. به عنوان مثال آرنولد هاووزر (۱۹۷۶) معتقد است که برای درک آثار هنری کافی است شرایط اقتصادی و اجتماعی را که اثر هنری در آن متولد شده است بشناسیم. در این رویکرد، پایگاه اجتماعی هنرمند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به همراه شرایط و اوضاع جامعه نقشی تعیین‌کننده در آثار هنری دارد (به نقل از راووداد، ۱۳۸۲: ۱۲-۱۴).

اگر بر اساس رویکرد غایت‌شناسانه جامعه‌شناسی معرفت، هنر و ادبیات تبلور حیات اجتماعی یک گروه یا طبقه می‌باشد که از طریق مداخله خلاقانه پدیدآورنده در قالب یک اثر هنری خلق شده است، پس بدیهی است که با مطالعه آن می‌توان به درک دقیقی از شرایط اجتماعی و اقتصادی، مطالبات و پرسش‌های اساسی مطرح شده در مورد جامعه مورد نظر دست یافت. ابراهیم دارابی از جمله نویسندگان معاصر آذربایجان و ایران است که کشمکش‌های اجتماعی

و سرنوشت طبقه متوسط و قشر روشنفکر ایرانی در سال‌های پرتلاطم ۱۳۲۵ تا ۱۳۵۷ (جنبش‌های اجتماعی دوران پهلوی دوم) در اثر داستانی وی، اشک سبلان، نقش بسته است. در واقع آنچه وی در رمان خویش به آن پرداخته است، عبارت است از پاسخ‌گویی به چرایی کامیابی و ناکامی طغیان‌های اجتماعی مقاله حاضر در واقع به بررسی رمان تاریخی «اشک سبلان» نوشته ابراهیم دارابی از منظر تاریخی و جامعه‌شناختی می‌پردازد. رمان اشک سبلان که در دو جلد چاپ شده است، داستان مبارزانی از آذربایجان را طی سال‌های ۲۵ تا ۵۷ شمسی روایت می‌کند. این رمان به جوایزی نیز دست یافته و غالب منتقدان آن را ستوده‌اند (شکیب، ۱۳۸۵).

چارچوب نظری

۱- پیشینه تجربی

بسیاری از شاهکارهای ادبی جهان از منظری جامعه‌شناختی بررسی شده‌اند. گلدمن در کتاب «خدای پنهان» (۱۹۵۵) نمایش‌نامه‌های تراژیک راسین را بررسی کرده و نتیجه گرفته است که راسین در تراژدی‌های خود در پی نمایش و حل مسائل جمعی گروه ژانسیست (اشراف صاحب مقام) فرانسه آن زمان بوده است (زیما، ۱۳۷۶). لوکاچ در کتاب جامعه‌شناسی رمان به نقد رمان دهقانان نوشته بالزاک پرداخته و نتیجه گرفته است که هدف بالزاک از نگارش رمان دهقانان، در حقیقت، توصیف تراژدی بزرگ زمین‌داری در حال نابودی فرانسه آن عصر بوده است (لوکاچ، ۱۳۷۵). در ایران نیز آثار تحقیقی هرچند محدودی در زمینه جامعه‌شناسی ادبیات تولید شده است. جمشید مصباحی پور ایرانیان در کتاب «واقعیت‌های اجتماعی و جهان داستان» با استفاده از نظریات مارکسیستی لوکاچ و گلدمن، همچنین با استناد به روش ساخت‌گرایی تکوینی لوسین گلدمن، به بررسی جامعه‌شناختی کتاب‌های زیبا، اثر محمد حجازی (۱۳۰۹)، بوف کور و حاجی آقا، آثار صادق هدایت (۱۳۱۵ و ۱۳۲۴) و غرب‌زدگی، مدیر مدرسه، نفرین زمین، آثار جلال آل‌احمد (۱۳۳۲-۱۳۵۰) پرداخته است (مصباحی‌پور ایرانیان، ۱۳۵۸). محمدرفیع محمودیان نیز در کتاب نظریه رمان و ویژگی‌های رمان فارسی نتیجه گرفته است که رمان فارسی، به اتکای واقع‌گرایی، استعلایی، کلی‌ترین و عمیق‌ترین مسائل زندگی را در تجرید از مسائل جزئی و خرد و حاشیه‌ای به تصویر می‌کشد (محمودیان، ۱۳۸۲).

۲- پیشینه نظری

بنیان جامعه‌شناسی معرفت بر این جمله مارکس که «این هستی اجتماعی است که آگاهی اجتماعی را می‌سازد» (مارکس، ۱۸۵۹) بنا نهاده شده است.

■ مکتب فرانکفورت

مؤسسه تحقیقات اجتماعی فرانکفورت به نمایندگی آدورنو، هرگونه واقع‌گرایی را در عرصه هنر به طور کلی مردود اعلام کردند (سلدون و ویدوسون، ۱۳۷۷: ۱۰۸). در اندیشه مکتب فرانکفورت، برخلاف تفکر لوکاچ، قالب یا صورت ادبی بازتاب صرفاً منحصربه‌فرد و فشرده‌ای از قالب اجتماعی نیست، بلکه ابزاری است برای فرار از واقعیت و اجتناب از جذب آسان دیدگاه‌های نو در کلیشه‌های آشنا و مصرفی به نحوی که مدرنیست‌ها به عوض کوشش در راه کسب تفوق بر سازوکارهای انسان‌زداپانه زندگی مدرن تلاش می‌کنند تصویر آن را از هم بگسلند و تکه‌تکه کنند. از دیدگاه آدورنو هنر به همراهی فلسفه در واقع تنها عرصه مقاومت در برابر جهان به انقیاد درآمده قرن بیستم است (همان: ۱۰۹).

■ جورج لوکاچ

از دیدگاه ادبی، اثر بزرگ گئورگ لوکاچ کتاب «رمان تاریخی» وی قلمداد می‌شود که در سال ۱۹۳۷ نوشته شده و هدف از آن، پژوهش درباره تأثیر متقابل تکامل اقتصادی و اجتماعی و جهان‌نگری و صورت ادبی زاده آن بوده است. به بیان لوکاچ این کتاب «کوشش مقدماتی در راه تدوین زیبایی‌شناسی مارکسیستی و نیز نحوه ماتریالیستی تحلیل تاریخ ادبی می‌باشد». لوکاچ نوع رمان تاریخی را دارای این اهمیت بنیادین دانسته است که هم آفریده تکامل تاریخ است و هم خود به بررسی تاریخ می‌پردازد، به همین دلیل او در آغاز به زمینه‌های اجتماعی تاریخی تکوین رمان تاریخی می‌پردازد (ایوتادیه، ۱۳۷۷: ۱۰۴-۱۰۳). لوکاچ در کتاب تئوری رمان (۱۹۱۴-۱۹۱۵) با وام‌گرفتن مفهوم «تاریخی‌سازی مقوله‌های زیبایی‌شناختی» و بر اساس آن دست به تدوین دیالکتیکی از انواع ادبی می‌زند که به خودی خود این دیالکتیک به اجتماع می‌رسد چرا که لوکاچ در این کتاب تأکید کرده است که «فرم رمان بازتاب یک دنیای متلاشی شده است». در این کتاب لوکاچ به طرح بحث‌های تحول ادبی و تحول اجتماعی،

ساختار ادبی و مرحله‌ای از دیالکتیک تاریخی- فلسفی پرداخته و آن‌ها را در یک کلیت به هم پیوند می‌دهد و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که هر مرحله‌ای از تاریخ اجتماعی با یک فرم یا صورت بزرگ ادبی همراه می‌باشد (همان: ۹۹). به اعتقاد لوکاچ، رمان جست‌وجوی معناست، معنایی که در گذشته در حماسه باستانی یا فئودالی معلوم و موجود بود، اما دیگر این چنین نیست، بلکه قهرمان رمان باید آن را کشف کند یا بیافریند و این قهرمان، فردی مسئله‌دار [پروبلماتیک] و حاشیه‌ای است که با واقعیت اجتماعی فاقد معنا رویارویی می‌کند و جست‌وجوی پیگیرانه او به شکست منجر می‌شود (ایرانیان، ۱۳۵۸: ۱۹).

■ لوسین گلدمن

گلدمن معتقد است که ارزش‌های معنوی حقیقی از واقعیت اقتصادی و اجتماعی جدا نمی‌شوند، بلکه دقیقاً بر اساس همین واقعیت شکل گرفته‌اند. گلدمن نظریه خود را با عنوان «تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی بر آفرینش ادبی» در کتاب «دفاع از جامعه‌شناسی ادبیات» خود بنا نهاده است. مفاهیم اساسی در روش گلدمن عموماً برگرفته از آثار لوکاچ و دیالکتیک هگلی است. مهم‌ترین نظریه گلدمن، نظریه «ساخت‌گرایی تکوینی» او بود. گلدمن بر اهمیت ساخت یک اثر هنری تأکید می‌کند. ساختی که گلدمن مورد بررسی قرار می‌دهد یک واقعیت ثابت و مجزا نیست، بلکه یک پدیده پویای پیش‌رونده است که وی ترجیح می‌دهد آن را ساخته‌دهی بنامد (۱۹۷۵: ۱۵۶). گلدمن معتقد است که ساخت‌گرایی تکوینی وی با در نظر گرفتن ساخت‌ها به عنوان اجزای اساسی تشکیل‌دهنده آثار هنری، خواهان یک تغییر تام در جهت‌گیری است. فرضیه اصلی آن این است که خلاقیت ادبی یک ویژگی جمعی دارد که از طریق یکنواختی یا یکپارچگی ساخت‌های آن با ساخت‌های ذهنی گروه‌های اجتماعی معاصرشان قابل تشخیص یا تعقیب است و همین‌طور رابطه‌ای منطقی با این ساخت‌های ذهنی دارد. اما از نظر محتوا، جهان تخیلی ساخته شده از این ساخت‌ها، نیازی ندارد که جهان حقیقی نمایش‌دهنده واقعیت این گروه‌ها باشد. مفاهیم «جهان‌نگری»، «آگاهی ممکن» و «فرد استثنایی» مهم‌ترین ابزارهای مفهومی گلدمن هستند. گلدمن (۱۹۷۵: ۱۶۰) معتقد است که در میان همه گروه‌بندی‌های انسانی تنها طبقات اجتماعی‌اند که عمل آن‌ها منجر به خلاقیت فرهنگی خواهد شد. این طبقات اجتماعی خاستگاه جهان‌بینی‌ها هستند. از نظر گلدمن آثار معتبر هنری و ادبی

دارای یک ساخت معنادار هستند و آن را نشان می‌دهند. گلدمن این ساخت را به عنوان «یک انسجام درونی، مجموعه‌ی از ارتباطات بین عناصر متفاوت تشکیل‌دهنده آن‌ها» مشخص می‌کند (۱۹۴۶: ۷۵). گلدمن ساخت‌های معنادار را نه فقط به آثار ادبی و هنری بلکه به فلسفه و نظام‌های فلسفی نیز نسبت می‌دهد (به نقل از راودراد، ۱۳۸۲: ۹۱-۹۷).

مسئله پژوهش

آیا میان ساختار زیبایی‌شناختی رمان تاریخی اشک سبلان از یک سو و ساختار عینی جامعه در زمان پرورش و آفرینش این اثر، از سوی دیگر رابطه‌ای متقابل وجود دارد و می‌توان قائل به هم‌ارزی ساختاری آن‌ها بود؟ الگویی که بتواند کلیت ساختار معنادار این اثر داستانی دارابی را شامل شود چگونه الگویی است و از چه عناصری تشکیل می‌شود؟

روش تحقیق

متد مورد استفاده در تحقیق، روش ساخت‌گرایی تکوینی گلدمن است، این روش در تقسیم‌بندی روش‌های تحقیق جزو روش‌های کیفی است و ملهم از بینش فلسفی ماتریالیسم دیالکتیک و روشی کل‌نگر است. در بررسی جامعه‌شناختی یک اثر ادبی بر مبنای این روش ابتدا اجزا ساختار اثر از داخل متن استخراج و ارتباط موجود بین این اجزا کشف و برقرار می‌شود و در مرحله بعدی دلالتی که در کلیت ساختار اثر موجود است، نشان داده می‌شود. به عبارت دیگر در مرحله اول ساختار زیبایی‌شناختی اثر، درک (دریافت) و الگوهایی ساختاری بر اساس این دریافت توسط محقق ساخته و پرداخته می‌شود و در مرحله بعد بر طبق این الگوها هم‌ارزی مسائل اجتماعی-اقتصادی زمان خلق و رخداد‌های متن اثر با ساختار اثر تشریح و تأثیر و تأثرات آن‌ها بر روی هم بررسی می‌شود.

یافته‌های تحقیق

الف: پیش مرحله

رمان «اشک سبلان» داستان مبارزانی از دیار آذربایجان است. *الیاس* قهرمان اصلی داستان، فردی تحصیل کرده و روشنفکر از رهبران جنبش اجتماعی آذربایجان و افسر فرقه دموکرات است که در

تقسیم اراضی زمین‌داران بین دهقانان اردبیل نقشی اساسی دارد. در جریان شکست حکومت ملی آذربایجان و قتل عامی که در پی آن صورت می‌گیرد، در هجوم سران ایلات و نوکران آن‌ها، پدر و مادر خود را از دست می‌دهد. دست تقدیر او و خواهرش *شانای* را مجبور به ترک دیار می‌کند و میدان مبارزه به آستارا انتقال می‌یابد. به دنبال ترور نافرجام شاه، *الیاس* دستگیر و به تهران تبعید می‌شود و فصل جدیدی از مبارزات آغاز می‌گردد. *آیاز* برادرزاده *محمدخان* (دشمن خونی *الیاس*) که *الیاس* را از مرگ حتمی نجات داده بود، به آن‌ها ملحق می‌شود. قهرمانان داستان در جریان نهضت ملی‌کردن نفت و انقلاب اسلامی نقش فعالی دارند، در شکل‌دهی به تظاهرات خیابانی مشارکت می‌کنند و در این راه چند بار زخمی و زندانی می‌شوند، اما نسل جدیدی قدم به میدان مبارزه گذاشته است که با الهام از اسلاف خود و نیز *شانای* که در بیرون از زندان اما اسیر زندان بزرگ جامعه است، به مبارزه ادامه می‌دهند و به این ترتیب قدرت افسانه‌ای شاه فرو می‌ریزد.

دارایی در سال ۱۳۱۴ در اردبیل و در خانواده‌ای سطح متوسط متولد شده است. مادرش با سواد و پدرش مأمور فرقهٔ دموکرات بوده است. اجدادش در اردبیل و باکو به کارهایی از کارگری گرفته تا تجارت مشغول بوده‌اند. دو حادثه مهم زندگی وی در کودکی و نوجوانی، مرگ زود هنگام مادرش و وارد شدن نامادری به حیات‌اش و نیز آموزش اجباری زبان فارسی بوده است که وی از هر دو آن‌ها با عنوان وارد شدن بیگانه‌ای به زندگی‌اش یاد می‌کند. شغل رسمی وی دبیری ریاضیات در دبیرستان‌های تهران، قزوین و رشت بوده است. دارای تألیفات و ترجمه‌های زیادی در زمینه ادبیات و رمان، ریاضیات و شطرنج می‌باشد. در کودکی از نزدیک شاهد قتل عام سال ۱۳۲۵ توسط ارتش شاه و نوکران سرکرده عشایر بوده است. در نوجوانی و جوانی نهضت ملی‌کردن نفت را تجربه کرده و آگاهی واقعی او پیرامون حوادث مبهمی که به صورت خام از دوران کودکی در ذهنش باقی مانده بود، شکل گرفته و پس از آن وارد مبارزات سیاسی شده است و در نهایت در جریان انقلاب سال ۱۳۵۷ در اعتصابات معلمان و تظاهرات خیابانی مشارکت نموده است. به این ترتیب نطفه رمان «شک سبلان» از کودکی در ذهن نویسنده آن شکل گرفته و به تدریج و با گذشت زمان تکوین و در نهایت تولد یافته است.

ب: مرحله دریافت

سبک رئالیستی رمان و انتقاد اجتماعی که در آن جاری است و نیز سیر در محتوای آن نشان

می‌دهد که ساختار زیبایی‌شناختی آن بر محور مبارزات و جنبش‌های اجتماعی مردم ایران بر سر «داشتن و نداشتن» می‌چرخد و نقطه کانونی آن سرگذشت این مبارزات اجتماعی است. به عبارت دیگر در این اثر و در دنیای خیالی آفریده شده، در قالب ژانر ادبی رمان به حوادث بیش از سه دهه (دوران پهلوی دوم) از تاریخ مبارزات اجتماعی مردم و ملیت‌های ساکن در جغرافیای ایران پرداخته می‌شود. در این جهان تخیلی ناکامی و نیز کامیابی نسبی این مبارزات بررسی می‌شود.

در جهان تخیلی این اثر ادبی به خلق و پرورش شخصیت‌هایی پرداخته می‌شود که هر کدام متعلق به قشر و گروهی از جامعه هستند و تعامل آن‌ها در طول داستان تابع ایدئولوژی گروه اجتماعی منتسب‌شان می‌باشد. مسئله اصلی که این شخصیت‌ها را به هم‌کاری و یا دارد و یا آن‌ها را در مقابل هم قرار می‌دهد، «داشتن و نداشتن» است و بود و نبود آن‌ها به این مسئله وابسته است. عاملی که دهقانان را در مقابل ارباب قرار می‌دهد، زمین است. دهقانی که زمین ندارد، بود و نبودش یکی است، پس آنان برای اثبات هستی خود مبارزه می‌کنند و در کنار روشنفکرانی قرار می‌گیرند که اتفاقاً آنان نیز برای به دست آوردن، مبارزه می‌کنند، به دست آوردن آزادی‌های اجتماعی. نیز طبقه متوسط شهری به خاطر بهره‌مندی از رفاه اقتصادی و اجتماعی و آرامشی که از آن محروم‌اند، در کنار گروه‌هایی قرار می‌گیرند که ویژگی همه آن‌ها «نداشتن» چیزی است که حق طبیعی آن‌هاست. در مقابل گروه‌هایی قرار دارند که «داشتن» عامل پیونددهنده آن‌هاست: سران ایلات و زمین‌داران که مالک مطلق زمین‌اند، شاه و دربار که صاحب بلامنازعه قدرت و آزادی‌های بی‌حدوهراند و گروه نخبگان حاکم که با اتصال خود به قدرت و دربار حاشیه امنی برای خود درست کرده‌اند و بدین شیوه ارتزاق نموده و به رفاه اقتصادی- اجتماعی دست یافته‌اند. اما در بین گروه‌ها و طبقات اجتماعی که در رمان درگیر مبارزه‌اند، طبقه متوسط نقش محوری را بر عهده دارد و همه حوادث در اطراف شخصیت‌هایی رخ می‌دهد که منتسب به طبقه متوسط هستند. مبارزه‌ای بی‌امان در یک بستر تاریخی بین قشرهایی از طبقه متوسط و طبقه حاکم در جریان است و طبقه تحت سلطه چشم به قدرت دارد و به هر طرف که می‌چرخد، قدرت چیرگی را نصیب آن می‌کند. این طبقه برآورده شدن آمال و آرزوهای خود را نه در مبارزه عریان با طبقه حاکم که در اطاعت بی‌چون چرا از قدرت و سلطه‌پذیری بیشتر جست‌وجو می‌کند. حوادث رمان در یک بستر تاریخی اتفاق می‌افتد و تکوین شخصیت‌ها و ساختار رمان در همین بستر امکان‌پذیر می‌شود. چه، هر قدر در این بستر تاریخی

پیش می‌رویم شاهد رشد حجم و قدرت یافتن طبقه متوسط و پیوستن قشرهایی از طبقه تحت سلطه به آن‌ها و شکل‌گیری اتحاد مردم‌گرایانه گروه‌های اجتماعی هستیم که در نهایت در انقلاب سال ۱۳۵۷ به سقوط طبقه حاکم می‌انجامد. حال برای اثبات ادعای فوق شواهدی را از متن رمان می‌آوریم: *الیاس*، افسر جوان و تحصیل‌کرده فرقه دموکرات که شخصیت محوری داستان است از طبقه متوسط شهری است، طراح و مجری تقسیم اراضی زمین‌داران و سران ایلات در بین دهقانان است، به همین خاطر مورد احترام، ستایش و حمایت دهقانان و جوانان شهری است.

«از پشت تریبون اعلام می‌شود الیاس گزارش جنگ‌های طولانی و شکست قطعی فنودال‌ها را خواهد داد، هلهله و شادی اوج مضاعف می‌گیرد، الیاس پشت میکروفون ظاهر می‌شود. دهقانی پیش می‌رود تا او را ببوسد او دست دهقان را می‌گیرد و با سلاحی که در دست دارد بالا می‌برد و به علامت پیروزی تکان می‌دهد» (اشک سیلان: ۷۷).

شانای (خواهر *الیاس*) دختر تحصیل‌کرده و روشنفکری است که در کل داستان حضور دارد. او که دوست ندارد مثل زنان دیگر صبح تا شب اسیر چهار دیواری خانه شود، در بیرون از خانه کار می‌کند و در غیاب *الیاس* و *آیاز* نان‌آور خانه است.

«سیر کردن شکم در ازای آن همه درد و رنج و گاه خفت، چیزی نبود که با روح سرکش *شانای* سازگار باشد... در فرهنگ غنچه شرافت مقوله گنگی بود که در ناموس یک زن، آن هم در حیطة امور جنسی و عاطفی خلاصه می‌شد. در ورای این تعریف، شرافت همیشه محفوظ بود. ولی شرافت و مقوله‌هایی از این دست در فرهنگ *شانای*، معنی وسیع‌تری داشت» (اشک سیلان: ۲۴۲).

آیاز نقاش، برادرزاده *محمدخان* که پدرش مغازه‌دار و علاف است، طرز فکر و زندگی متفاوتی با عمویش دارد و شبیه *عمو* و پسر *عموهایش* نیست، هر چند او طرفدار فرقه نیست اما در نهایت نمی‌تواند در مقابل غارتگری و کشتار *محمدخان* و *اوباش* او ساکت بنشیند، به کمک *الیاس* می‌آید و او را از مهلکه نجات می‌دهد.

«او (*آیاز*) از دایره نفوذ اطرافیانش خارج شده بود، ولی جبهه مقابل را هم قبول نداشت. ظاهر خود را در برخورد با پسر *عموها* و دوستانش حفظ می‌کرد، ولی نطفه نوعی انزجار نسبت به اطرافیانش در وجودش بسته شده بود» (اشک سیلان: ۸۰-۸۱).

اصلان با اینکه برادر ناتنی *محمدخان* است، اما بهره‌ای از زمین نداشته و در جریان تقسیم اراضی توسط فرقه صاحب زمین شده است. او در صف دهقانان است و درخواست برادرزاده‌اش

آیاز برای کمک به الیاس، دشمن خونی برادرش محمدخان را با گشاده‌رویی می‌پذیرد و الیاس را در خانه‌اش پنهان می‌کند تا زخم‌هایش التیام یابد.

«آیاز می‌دانست که عمو و زن عمویش نیک‌سرشت و مهربانند و برادران زن عمویش طرفدار فرقه‌اند و چون زمین دریافت کرده‌اند، احتمالاً الیاس را می‌شناسند و بنابراین اگر مزاحمتی از خارج ایجاد نشود، خانه عمویش پناهگاه امنی برای الیاس به حساب می‌آید» (اشک سیلان: ۹۱).

محمدخان یکی از سران عشایر شاهسون که اقتدار محلی و مالکیت وی بر زمین‌ها و روستاییان به مخاطره افتاده است، به دلیل نقش الیاس در طراحی و اجرای تقسیم اراضی زمین‌داران در بین دهقانان، کینه‌ای از وی به دل بسته است.

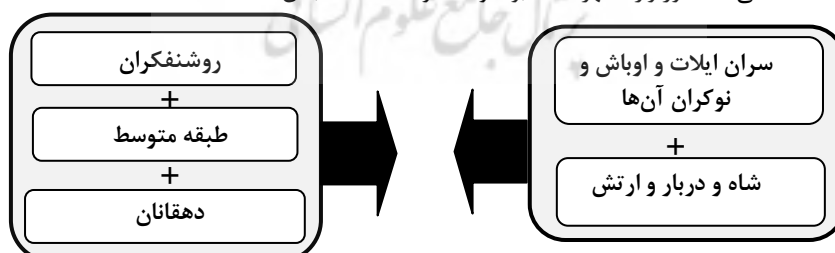
«محمدخان پیش همه سوگند خورده بود که روزی الیاس را خواهد کشت، جنازه‌اش را به زین اسب خواهد بست و در روستاهای اطراف خواهد گرداند» (اشک سیلان: ۲۹).

نوکران و اوباش محمدخان که بازوی او در سرکوب دهقانان و غارت شهر به شمار می‌روند، چنان سرسپرده او هستند که حاضرند آدم‌ها را پیش پای او قربانی کنند.

«او [یکی از نوکران محمدخان] درحالی‌که از شدت خنده ریسه می‌رفت، ساطور یکی از اطرافیان را از دستش گرفت، بالای سر نریمان [پدر الیاس] نگه داشت، رو به خان کرد و پرسید، می‌خواهی در پایت قربانی کنم» (اشک سیلان: ۴۲).

از سوی دیگر شاه که بیمناک تقسیم قدرت مطلقه‌اش است ارتش را به عنوان بازوی سرکوبگر خود به شهرهای آذربایجان گسیل داشته و دستور داده است که دست غارتگران محلی را در کشتار مردم باز بگذارد.

«شاهسون‌های مسلح به تفنگ، سوار بر اسب، آزادانه مانور می‌دادند و هر کس را اراده می‌کردند، می‌کشتند. شهر عمداً به دست اوباش و شاهسون‌ها سپرده شده بود تا مسئولیت ارتش شاهنشاهی که هنوز وارد شهر نشده بود لوٹ نشود» (اشک سیلان: ۶۰).



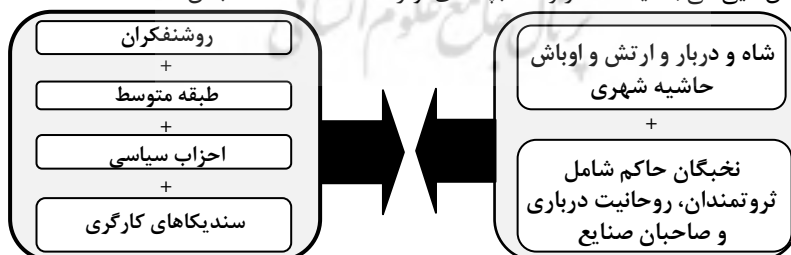
نمودار (۱): اقشار و گروه‌های درگیر در جنبش اجتماعی آذربایجان

نقش دهقانان پس از سرکوب حرکت‌های دهقانی کمرنگ شده است. اما ماهیت مبارزه تغییری نکرده است. باز مسئله بر سر «داشتن و نداشتن» است. نفت و درآمد اغواکننده آن در اختیار شاه و دربار و خارجیان قرار گرفته است. شاه به تجهیز ارتش و تقویت قدرت مطلقه مشغول است، سرمایه و ابزار کار در اختیار طبقه حاکم است و کارگران شهری محروم از آن موهبت‌ها، چهره کریه فقر را تجربه می‌کنند. آزادی‌های سیاسی و اجتماعی محدود شده است و *الیاس* در محرومیت از آن، زندانی و سپس به تهران تبعید شده است، اما روشنفکران به خود آمده‌اند و احزاب و گروه‌های سیاسی جان گرفته‌اند و اتحاد برای دست‌یابی به «نداشته»‌ها در حال شکل‌گیری مجدد است. مردم آماده قیام برای ملی کردن صنعت نفت هستند. *الیاس* به همراه *آیاز* و *سائلی* که اینک پیمان همسری بسته‌اند، در تدارک شرکت در قیام ۳۰ تیر هستند، اما آن‌ها این بار نیرومندترند.

«سعید انقش ماهی‌گیر» رسمیت نشست را اعلام کرد، بحث درباره اعتصاب کارگران چای لاهیجان و نساجی مازندران و اعلام همبستگی کارگران بعضی از شهرستان‌ها با آنان و اعتصاب‌های دیگری بود که از طرف سندیکاهای مرکز در تهران هدایت می‌شدند، در این اعتصاب‌ها، درخواست هشت ساعت کار در روز، استفاده از مرخصی سالانه، ایمنی کار و درخواست‌های دیگری مطرح بود که روز به روز به دامنه آن‌ها افزوده می‌شد» (اشک سیلان: ۴۲۲).

رامین کارگر چاپخانه که عضو یکی از گروه‌های سیاسی چپ است، مأمور چاپ و پخش اعلامیه‌های گروه است و در صف قهرمانان رمان قرار دارد.

«رامین مثل همیشه بوی سرب و سیگار می‌داد... مرتب سرفه می‌کرد... از دوازده سالگی در چاپخانه کار کرده بود. به رغم بیماری که داشت به آینده امید بسته بود... رامین می‌دانست سهمی از آنچه به خاطرش می‌رزد، به او نخواهد رسید، ولی به خاطر بچه‌هایش به خاطر همه آن‌هایی می‌جنگید که سرنوشت بچه‌های او را داشتند» (اشک سیلان: ۷۴۵).



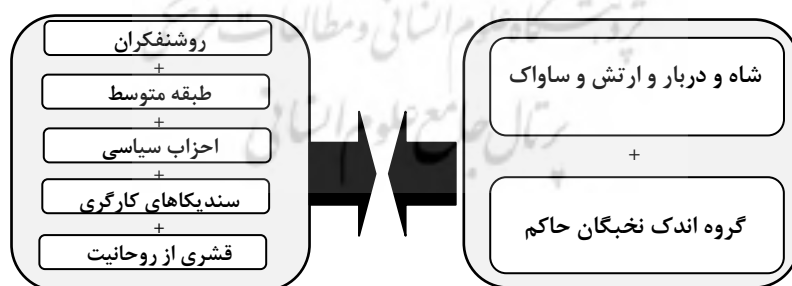
نمودار (۲): اقشار و گروه‌های درگیر در جنبش ملی کردن نفت

اما باز این ائتلاف دیری نمی‌پاید، شهر در دست ارتش و اوباش طرفدار شاه است، باز وقت آن است تا عده‌ای قتل عام شوند، موضوع معامله و دخالت خارجی‌ها در میان است و *الیاس* با تجربه‌ای که از گذشته دارد با حدسی نزدیک به یقین حس می‌کند که وقایع گذشته تکرار خواهد شد. او هنوز شبی را که دوستانش به آن سوی مرز فرار می‌کردند و در این سوی مرز، کشتار مردم جریان داشت، فراموش نکرده بود. مردمی که اجازه نیافتند تا لاقل برای دفاع از جان خود از سلاح‌هایشان استفاده کنند. اینک او می‌فهمد که همکاری گروه‌های اجتماعی مبارز برای حفظ دستاوردهایشان نتیجه‌ای در بر نداشته است و اتحاد شاه و دربار و نخبگان حاکم قوی‌تر شده است.

«خبرهای موثقی داریم که بخشی از نیروها که ما به ائتلاف با آن‌ها امیدوار بودیم، می‌گویند که مصدق هیچ‌کاره است و اگر در این روز مردم به پیروزی برسند، عملاً کمونیست‌ها برنده خواهند شد و آن‌ها، مجبورند بین شاه و کمونیست‌ها یکی را انتخاب کنند و انتخابشان را کرده‌اند» (اشک سیلان: ۷۳۵).

بار دیگر در آستانه انقلاب ۵۷ اتحاد گروه‌های مردم‌گرایانه شکل گرفته است و این بار انسجام مبارزان بیشتر است. اسطوره نفت و انرژی رایگان و شعارهای دینی، طبقات تحت‌سلطه را نیز به میدان آورده است؛ و همه یک‌صدا سقوط شاه را می‌خواهند.

«انسجام مردم، هوشیاری مبارزان، تجربه شکست بیست و هشت مرداد، چنان استحکامی به صفوف مردم بخشیده بود که هیچ ترفندی نمی‌توانست آن را از هم بگسلد و یا سست کند. این انسجام تا بدان حد بود که مردم به رغم اختلافی که در بینش‌هایشان داشتند، پشت‌بام‌ها، شعار مشترک "الله و اکبر" سر می‌دادند» (اشک سیلان: ۱۲۳۴).



نمودار (۳): اقشار و گروه‌های درگیر در انقلاب اسلامی

صدای پای انقلاب شنیده می‌شود. سیل خروشان مردم روان می‌شود. بال‌های آزادی بر سر

آیاز و الیاس و دیگر بندیان گشوده می‌شود.

قهرمانان داستان در رمان «اشک سبلان» هویت‌طلب هستند و مستمراً در جست‌وجوی هویت خود بر می‌آیند و طبقه حاکم را عامل اصلی زایل شدن هویت خود می‌دانند. «ترنم هر ساز، آرزوهایی را بازگو می‌کرد که در وجودشان پژمرده بود و اینک با نغمه‌ساز آبیاری می‌شد. در حالتی از خلسه، قدرت زبان و موسیقی خود را باز می‌یافتند و حس می‌کردند صاحب فرهنگ و هویتی شده‌اند که از آنان دور نگه داشته شده بود» (اشک سبلان: ۲۲). عدالت‌طلبی و آزادی‌خواهی از ویژگی‌های اساسی شخصیت‌های اصلی رمان است الیاس که درک واقعی از شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه دارد در پی رهایی دهقانان است. آن‌ها مجبورند در آن واحد در دو جبهه بجنگند در یک جبهه با حاکمیت داخلی استبداد مطلق و در جبهه دیگر با استعمارگران خارجی.

«باید به آن‌ها بگویند که پدران‌شان تنها از یک خان و فنودال، و یا از این حکومت [شاه و دربار] شکست نخورده‌اند، از بیگانگان و ایادی‌شان در داخل و همه امکانات علمی و فنی آن‌ها شکست خورده‌اند» (اشک سبلان: ۸۱۸).

قهرمانان رمان تجددگرا هستند و همه ویژگی‌های تجددطلبی را می‌تواند در اندیشه و رفتار آن‌ها ردیابی کرد. چه الیاس که در زمان حاکمیت فرقه دموکرات آذربایجان در صدد استقرار تمام مظاهر مادی تجددخواهی از نهادهای آموزشی مدرن و آزادی رأی زنان گرفته تا متلاشی کردن روابط سنتی حاکم و برقراری دیوان‌سالاری بر می‌آید و چه کلارا که در مصاف با سنت خانواده بر آن پشت پا می‌زند و متحمل جدایی از پدر و مادر و پیرو آن فقر و فلاکت می‌شود و در این میان نقش *شأنی* استثنایی است، او معتقد است که استبداد عامل تحکیم روابط سنتی است تا از این طریق بتواند بر نابرابری‌ها و محدودیت‌های اجتماعی سرپوش بگذارد.

و در نهایت قهرمانان رمان «اشک سبلان» مرکز گریز هستند و کثرت‌گرایی را عین وحدت می‌دانند. آن‌ها در عین حال که معتقدند ریشه آن‌ها تنها در زادگاهشان نیست، بلکه در همه ایران است و هر جا بروند ریشه می‌دوانند، از مشاهده نتیجه تمرکزگرایی حاکمیت به شدت ناراحت می‌شوند. کلارا وقتی برای اولین بار وارد تهران می‌شود، به مقایسه آن با شهر کوچک خود می‌پردازد و هر چه وارد عمق شهر می‌شود بیشتر دچار ناامنی و اضطراب می‌شود و احساس تنهایی می‌کند. «خانه پدری او [کلارا] که بهترین بنای شهرشان محسوب می‌شد در مقایسه با ساختمان‌های

تهران، کلبه‌ای بیش نبود... وسعت شهر ترس میهمی در دل کلارا برانگیخته بود... «(اشک سیلان: ۷۱۵).

و وقتی آیاز از تامارا می‌پرسد که چرا دیگر درس نمی‌خواند و جواب می‌شود که معنی واژه‌ها را نمی‌داند، در گذشته خود تأمل می‌کند و این اندیشه‌اش که زبان واحد عامل وحدت است، دچار تزلزل می‌شود.

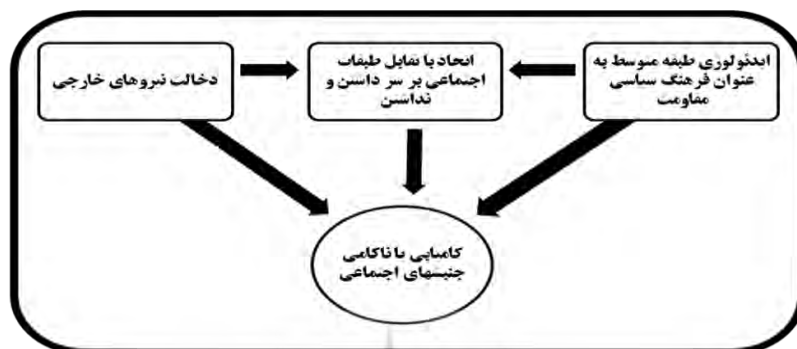
«آیاز به تلخی خندید، ... فکر می‌کرد زبان واحد، عامل وحدت است و حالا می‌دید که عزیزترین موجود روی زمین در نظرش، چطور افسرده و پریشان و خالی از آنچه می‌توانست باشد، به نقطه‌ای واهی خیر شده است» (اشک سیلان: ۳۳۵).



نمودار (۴): خصایص مسلکی قهرمانان اصلی داستان

اینک الگویی که بتواند کلیت ساختار معنا‌دار رمان اشک سیلان را در برگیرد معرفی می‌شود. بر اساس آنچه از متن رمان استخراج گردید، کلیت رمان اشک سیلان دلالت بر سرگذشت جنبش‌های اجتماعی دوران پهلوی دوم دارد که در آن تحت تأثیر روابط متقابل اجزای آن، یعنی ۱- تقابل و همکاری گروه‌ها و طبقات اجتماعی بر سر به دست آوردن «نداشتن»‌ها؛ ۲- ایدئولوژی طبقه متوسط که مواد لازم فرهنگ سیاسی مقاومت را در برابر طبقه حاکم فراهم می‌ساخت؛ ۳- دخالت بازیگران

خارجی و دولت‌های استعمارگر، کامیابی و ناکامی این جنبش‌ها را تعیین می‌کند. این الگو به صورت شماتیک در شکل زیر نمایش داده شده است.



نمودار (۵): الگوی ساختاری رمان اشک سبلان

ج: مرحله تشریح (ارائه هم‌ارزی‌های ساختاری)

زیبایی‌شناسی از نظر گلدمن ساختار و کلیت اثر است. این کلیت که گلدمن از آن به عنوان ساخت معنادار اثر نیز یاد می‌کند، در رمان اشک سبلان صرف‌نظر از روابط شخصی کاراکترها و جزئیات داستان، محور اثر بیان سرگذشت جنبش‌های اجتماعی دوران پهلوی دوم و علل کامیابی و ناکامی این حرکت‌هاست و در این میان به حکایت سرنوشت قشر روشنفکر و بررسی نقش آن در این جریان‌های اجتماعی به طور ویژه پرداخته می‌شود. نویسنده که خود متعلق به این قشر و در مقیاس بزرگ‌تر منتسب به طبقه متوسط است (به دلیل پایگاه اجتماعی خانواده و خودش) حامل ایدئولوژی این طبقه می‌باشد و از منظر این طبقه به رخ داده‌ها و روابط کاراکترهای رمان نزدیک شده است. دارایی به اثر خودش یک بستر تاریخی گسترده داده است که تکوین شخصیت‌ها فقط در آن بستر امکان‌پذیر است. او در واقع یک دوره تاریخی را با همه رویدادهای اجتماعی و سیاسی موفق و ناموفق به بستر رمان خود بدل کرده و با قراردادن قهرمان اصلی داستان در کانون این حوادث، تکامل شخصیت وی را در کوران درگیری‌های اجتماعی به طور مستمر رصد نموده و به این ترتیب ساختار پویای رمان شکل داده است. ساختار رمان «اشک سبلان» یک ساختار محوری است به این معنی که گذشت زمان و سیر حوادث در محور شخصیت اصلی داستان اتفاق می‌افتد و تعدد کاراکترها به مانند کثرت اقشار اجتماعی درگیر در طغیان‌های اجتماعی آسیبی به وحدت

ایدئولوژیک آن‌ها وارد نمی‌کند؛ بلکه این یگانگی را که در ایدئولوژی طبقه متوسط با همه ناهمگونی گروه‌های عضو این طبقه تجلی می‌یابد، تقویت می‌کند. در نگاه اول احساس می‌شود که دارایی در جهان تخیلی رمان به بازگویی سرگذشت خود در قالب شخصیت اصلی داستان پرداخته است، چه او خود در دنیای واقعی شاهد حوادث اجتماعی سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۵۷ بوده است و حتی در آن مشارکت فعال نیز داشته است. اما دارایی در این رمان صرفاً به بیان یک تجربه شخصی نپرداخته است بلکه ساختار پویای اثر نشان می‌دهد که وی به عنوان عضوی از طبقه متوسط و بالاتر از آن عضو استثنایی آن گروه، ناخودآگاه، آگاهی جمعی طبقه متوسط را در یک برهه تاریخی در اثر ادبی خود انعکاس داده است.

در جنبش ملی آذربایجان درگیری اصلی بر سر «زمین» است. اگرچه روشنفکران و طبقه متوسط دغدغه‌های دیگری چون دموکراسی خواهی، تقسیم قدرت و فضای باز سیاسی دارند و عامل اساسی برانگیزاننده آن‌ها علیه قدرت خودکامه، تمرکزگرایی حکومت مرکزی و تصاحب قدرت و آزادی بی‌حد و حصر توسط شاه و دربار است، اما بدون شک آنچه گروه‌های مختلف اجتماعی را در کنار هم و در مقابل استبداد و طبقه حاکم قرار می‌دهد «زمین» و مسئله تقسیم عادلانه آن است. *الیاس*، که در جهان تخیلی رمان، قشر روشنفکر و طبقه متوسط را نمایندگی می‌کند، یک دموکرات و هویت‌طلب است؛ دیگر شخصیت اصلی داستان یعنی *شانای* سوسیالیست و فمینیست است؛ لیکن این ویژگی‌ها منبع کسب مقبولیت و محبوبیت برای آن‌ها نمی‌شود. چیزی که باعث می‌شود *الیاس* مورد ستایش قشرهای پایین اجتماعی قرار گرفته و از طرف دهقانان حمایت شود، نقش *الیاس* در تقسیم زمین بین دهقانان است. این بدان معنی است که برابری خواهی اقتصادی اساس ایدئولوژی گروه‌های اجتماعی مبارز را تشکیل می‌دهد که مصداق خود را در «زمین» پیدا می‌کند. این مسئله زمانی می‌تواند به طور کامل درک شود که بدانیم در اوایل دوران پهلوی دوم حدود ۷۵ درصد (فوران، ۱۳۷۷) اقتصاد ملی را تولیدات کشاورزی تشکیل می‌داد و زمین منبع اصلی اقتصاد به شمار می‌رفت. بعد از شکست فرقه دموکرات و به دنبال تحول ساختار اقتصادی و پُررنگ‌شدن وجه تولید سرمایه‌داری وابسته، زمین کم‌کم اهمیت خود را در اقتصاد ملی و به تبع آن تحولات اجتماعی از دست می‌دهد و جای خود را به محصول جدید یعنی «نفت» می‌دهد. از این پس درگیری‌های اجتماعی بر سر

تصاحب این منبع اقتصادی رخ می‌دهد. این تغییر بنیادین را در ساختار رمان نیز می‌توان مشاهده کرد. چه، در بخش‌های بعدی رمان و در جهان غیر مفهومی آن، میدان درگیرهای اجتماعی از پیرامون به مرکز اقتصادی منتقل و مبارزه دهقانی به مبارزه کارگری تحول می‌یابد. در ساختار رمان مشاهده می‌شود که به زعم قهرمانان رمان، نفت عامل اصلی سلطه طبقه حاکم و نیروهای خارجی است، نفت به عاملی برای تحقیر روشنفکران و تهدید طبقات تحت سلطه تبدیل شده است و حیات و ممت را تسلط به این منبع اقتصادی جدید تعیین می‌کند. با شکست نهضت ملی کردن نفت، این مسئله نه تنها حل نشده باقی می‌ماند بلکه بر پیچیدگی‌های آن افزوده می‌شود تا اینکه کشمکش‌های اجتماعی بعدی نیز پیرامون آن شکل بگیرد.

بر اساس ساختار رمان مورد تحقیق هر وقت اتحادی بین طبقات اجتماعی متوسط و تحت سلطه شکل می‌گیرد، جنبش به سوی کامیابی سوق می‌یابد و زمانی که این اتحاد فرو می‌پاشد، مقاومت جنبش درهم می‌شکند و چرخه ناکامی جنبش‌های اجتماعی در ایران تکرار می‌شود. موفقیت ناپایدار جنبش اجتماعی آذربایجان نتیجه همکاری طبقه متوسط و در رأس آن روشنفکران و طبقات تحت سلطه از جمله دهقانان است، اما درست زمانی که دهقانان برای حفاظت از دستاوردهای خود در کوه و دشت مشغول به جنگ پارتیزانی هستند، رهبران آن‌ها به سازش، تسلیم و خروج از کشور تن می‌دهند، روشنفکران مرکز نشین به خدمت شاه و دربار در می‌آیند و هرگز از این نهضت رهایی‌بخش حمایت لازم را به عمل نمی‌آورند. حتی حزب توده نیز که خود را نماینده طبقه کارگر و دهقانان می‌داند از لاک بی‌تفاوتی خود خارج نمی‌شود. نتیجه آن می‌شود که ماشین سرکوب استبداد به حرکت در می‌آید و کورسوی امید برای رهایی ملت قطع می‌گردد و منتظر زمان می‌ماند تا روزنه جدیدی باز شود و اتحاد دیگری به وجود آید. این بار اتحاد قدرتمندی در سطح ملی شکل می‌گیرد، طبقه متوسط با طبقه کارگر دست به یکی می‌کنند و کامیابی جنبش ملی کردن نفت را رقم می‌زنند. اما باز عده‌ای از اعضای طبقه متوسط و روحانیان از جنبش جدا و در صف شاه و دربار قرار می‌گیرند، و درست زمانی که قهرمانان رمان و اتحادیه‌های کارگری آماده‌اند کار استبداد را در خیابان‌های شهر یکسره کنند، رهبران آن‌ها از تصمیم‌گیری عاجز می‌شوند و در نهایت پشت کارگران و گروه‌های اجتماعی مبارز را خالی می‌کنند و برای چندمین بار داستان سرکوب تکرار می‌شود. شخصیت‌های اصلی رمان به مثابه

روشنفکران واقعی از این که شانس خود برای پیروزی را برای دومین بار از دست داده‌اند دچار احساسی تلخ و نوستالژیک می‌شوند و به دامان اسطوره‌ها پناه می‌برند تا شکست واقعی اما ناباورانه خود را در دنیای تخیلی اسطوره‌ها با پیروزی قهرمان‌های اسطوره‌ای سرزمین‌شان جبران کنند.

تسلط دوباره استبداد علاوه بر تبعات اقتصادی-اجتماعی، عواقب اجتماعی-روان‌شناختی نیز به دنبال می‌آورد که از بین رفتن اعتماد عمومی، دوگانگی در رفتار، تناقض در گفتار و عمل و گسترش چاپلوسی از جمله آن‌هاست و زیر بنای اجتماعی لازم را برای استمرار خفقان درازمدت فراهم می‌کند. این موضوع در ساختار رمان با گسترش خیانت و جاسوسی و لو رفتن مبارزین و در نتیجه اعدام و زندانی شدن آن‌ها به خوبی انعکاس یافته است.

هر چند اتحاد دوباره طبقات اجتماعی متوسط و تحت سلطه به دلیل قدرت‌یافتن ماشین سرکوب رژیم و تبعات اجتماعی-روانی کودتای ۲۸ مرداد به درازا می‌انجامد، اما بار دیگر در آستانه جنبش انقلابی ۱۳۵۷ گروه‌های مردم‌گرا به اتحاد نسبتاً پایداری دست می‌یابند و این بار علاوه بر طبقات متوسط و کارگر، گروه‌ها و قشرهای دیگر از جمله دانشجویان، معلمان و قشری از روحانیت و نیز گروه‌های سیاسی و احزاب به حرکت در می‌آیند و بساط سلطنت و دربار را بر می‌چینند.

طبقه متوسط ایران جدای از ترکیب ناهمگون آن که طیف وسیعی از روشنفکران، پیشه‌وران، بازرگانان، مدیران، فرهنگیان و دانشجویان را در بر می‌گیرد، دارای جهان‌بینی کمابیش یکسانی هست که تجددگرایی، آزادیخواهی، سوسیالیسم و هویت‌طلبی از ارکان آن به حساب می‌آید. اندیشمندان معدودی در ایران به رگه‌های ایدئولوژیکی و مادی ائتلاف‌های مردمی در دوران پهلوی دوم به صورت توأمان پرداخته‌اند. آبراهامیان از دو نیروی ناهم‌گرا در طبقه متوسط به نام طبقه متوسط سنتی و طبقه متوسط جدید یاد می‌کند که اولی از فرهنگ سیاسی محافظه‌کار، مذهبی، طرفدار حکومت دینی و سوداگرانه و دومی تجددگرا، غیرمذهبی، فن‌سالار و سوسیالیستی برخوردار است. اما باید در نظر داشت که حتی طبقه متوسط سنتی نیز از اندیشه‌های مسلط جهانی تأثیر پذیرفته است و رگه‌هایی از سوسیالیسم و تجددگرایی را در افکار اعضای آن‌ها نیز می‌توان مشاهده کرد. اگر ایدئولوژی را به عنوان اندیشه و معرفتی بدانیم که در یک موقعیت تاریخی ویژه از سوی بخشی از نیروهای اجتماعی به عنوان مبنای فهم و عمل اجتماعی قرار می‌گیرد، می‌توان گفت که در تمام دوران حاکمیت سنت در ایران، ایدئولوژی دینی به عنوان ابزاری برای توجیه سلطه طبقه حاکم

در آمده بود. نگرش سنت‌گرایانه به دین که آن را از هرگونه نقدی مصون می‌ساخت (قریشی، ۱۳۸۴) به همراه فرهنگ پدرسالار که زاده‌ی شیوه‌های تولید ایلی و ارباب-رعیتی بود، جامعه‌ی هرمی را به وجود می‌آورد که در رأس آن سلطان به عنوان فرمانروا و در قاعده آن توده مردم به عنوان فرمان‌بر قرار می‌گرفت (ایرانیان، ۱۳۵۸). کارکرد اجتماعی-سیاسی چنین روابطی، استمرار استبداد را برای زمان‌های طولانی ممکن می‌ساخت. وجه انقلابی ایدئولوژی دینی نیز که بیشتر در فرهنگ سیاسی شیعی تجسم می‌یافت سرکوب می‌شد و فرصت بروز نمی‌یافت. برای اولین بار در دوران مشروطه که رهبران آن تحت نفوذ آزاداندیشی، عقلانیت مدرن و اومانیسیم موجود در فرهنگ لیبرالیسم قرار گرفته بودند، شالوده چنین روابطی زیر سؤال رفت. جذابیت‌های انسان‌گرایانه این مکتب، مشروطه‌خواهان را شیفته خود می‌کرد، به همین خاطر اکثر آن‌ها در عرصه اندیشه به تجددگرایی محض روی آوردند و اندیشه سنتی را به کلی کنار نهادند. هر چند طیفی از مشروطه‌خواهان به سنت‌گرایی رجعت کردند و در عرصه عمل نیز به دلیل شدت استبداد داخلی و عملکرد استعمارگران خارجی مدرنیزاسون امکان رشد نیافت، اما اندیشه آزادی‌خواهی استمرار یافت و به یکی از بنیان‌های فکری طبقه متوسط در دوره‌های بعدی تبدیل شد. بعد از انقلاب مشروطه و به موازات شکل‌گیری و گسترش وجه تولید سرمایه‌داری در ایران، مارکسیسم نیز در جهان رشد می‌کرد و به جایگاه اندیشه مسلط ارتقاء می‌یافت. این مکتب که اقتصاد را زیربنای اندیشه قلمداد می‌کند و آمال آن رسیدن به جامعه بدون طبقه است از چنان جذابیتی برخوردار بود که در اندک زمانی سراسر جهان را در بر گرفت و در کنار آزادی‌خواهی، مبنای عمل نیروهای اجتماعی ایران به خصوص طبقه متوسط و کارگر قرار گرفت، به‌طوری‌که در سراسر دوران پهلوی دوم کمتر روشنفکری را می‌توان یافت که از این اندیشه تأثیر نگرفته باشد، حتی دایره نفوذ آن بعضی از سنت‌گرایان دینی را نیز احاطه کرده است. به علاوه محتوای سوسیالیسم، که اصالت را به جامعه می‌دهد و بر تأثیر گسترش ارتباطات بر جامعه‌پذیری، فرهنگ و هویت انگشت می‌نهد، انگیزش لازم را برای پذیرش و به کار گرفتن آن در عمل برای روشنفکران طبقه متوسط فراهم کرده است.

از طرف دیگر بعد از دوران مشروطه که رهبران آن به طور جدی به بازنگری اندیشه دینی پرداختند، نحل‌های از روشنفکران دینی، اجتهاد و بازسازی اندیشه دینی را تداوم بخشیدند و در نهایت در اوایل دهه ۵۰ و به دنبال افول قدرت جبهه ملی و مخالفان غیر دینی شاه، وجه انقلابی

اسلام شیعی، به عنوان فرهنگ سیاسی مقاومت در برابر استبداد و استعمار خارجی به طور جدی مطرح شد و مبنای عمل تعدادی از گروه‌های عضو طبقه متوسط گردید. بنابراین ایدئولوژی طبقه متوسط ایران را می‌توان آمیزه‌ای از وجه انقلابی اسلام شیعی، سوسیالیسم و تجددگرایی مبتنی بر لیبرالیسم قلمداد کرد که در دوره‌های مختلف و حرکت‌های اجتماعی گوناگون، بعدی از ابعاد آن پُررنگ شده و مبنای فهم و عمل اجتماعی این طبقه قرار گرفته است. چنانکه در بخش دریافت اثر ادبی مورد تحقیق به تفصیل بیان شد شخصیت‌های اصلی داستان یعنی *شانای* و *الیاس* به طور متوالی رگه‌هایی از هر سه اندیشه را چه در رفتار متقابل با دیگر شخصیت‌های داستان و چه در عمل اجتماعی خود در دنیای خیالی رمان از خود بروز می‌دهد.

جز دیگری از ساختار معنادار رمان مورد تحقیق دخالت بلاواسطه نیروهای خارجی و استعمارگران در جریان جنبش‌های اجتماعی است که در جهان تخیلی آن نیز انعکاس یافته و قهرمان‌های داستان موضع خود را در برخورد با این مسئله مشخص کرده‌اند؛ بی‌اعتمادی قهرمانان رمان نسبت به بازیگران خارجی در ابعاد زمانی و مکانی به چشم می‌خورد تا جایی که به صورت عریان ناکامی مبارزات اجتماعی مردم را همراه با عوامل داخلی به دخالت نیروهای خارجی نیز نسبت می‌دهند. احساس بیگانگی در ساختار ذهنی نویسنده از همان دوران کودکی شکل گرفته است، یعنی درست زمانی که بیش از شش سال نداشته است و در پی اشغال نظامی آذربایجان توسط قوای شوروی وی و خانواده‌اش از ترس پیامدهای این اشغال و بمباران شهر به روستا پناه آورده‌اند. بعدها از دست‌دادن مادرش که احساس وابستگی عاطفی شدیدی نسبت به وی داشته و ورود نامادری به حیات فردی وی که خود از آن به عنوان «وارد شدن بیگانه‌ای به زندگی آن‌ها» یاد می‌کند، زمینه‌های روان‌شناختی لازم را برای استمرار و تقویت چنین احساسی در ساختار ذهنی او فراهم کرده است، ضمن اینکه او خود در جریان فعالیت‌های اجتماعی از نزدیک با دخالت‌های آشکار و پنهان قدرت‌های خارجی رودررو بوده است و تحت تأثیر گروه‌های اجتماعی که وی عضو آن‌ها به شمار می‌رفته، خصوصاً جریان‌های سیاسی چپ‌گرا آگاهی‌های عمیقی از نقش آن‌ها کسب کرده است؛ بنابراین می‌توان خصلت بیگانگی‌ستیزی شخصیت‌های اصلی رمان در جهان تخیلی آن را بازتاب همین ساختار ذهنی نویسنده دانست. در جهان واقع نیز شاهدیم که سیاست جهانی و عملکرد دولت‌های شوروی، انگلیس و آمریکا در جریان جنبش اجتماعی - ملی آذربایجان نقش مهمی در شکست این جنبش ایفا

می‌کند، دخالت مستقیم امریکا و انگلیس به کودتای ۲۸ مرداد و ناکامی جنبش ملی‌کردن نفت می‌انجامد و نهایتاً انفعال دولت امریکا سرنوشت جنبش انقلابی ۱۳۵۷ را رقم می‌زند.

مقایسه الگوی ساختاری رمان «اشک سبلان» که حاصل دریافت از متن داستان بود، با ساختار اقتصادی-اجتماعی و نیز ساختار طبقاتی جامعه ایران در اوج جنبش‌های تاریخی این کشور یعنی از سال‌های ۱۳۲۴ تا ۱۳۵۷ که هم‌زمان با پرورش و آفرینش رمان مورد تحقیق بود، نشان می‌دهد که اولاً بین ساختار زیبایی‌شناختی رمان اشک سبلان که عبارت از کلیت و ساختار معنادار بود، هم‌خوانی ساختاری وجود دارد به این معنی که این اثر داستانی را به جرأت می‌توان بازتاب ساختار ذهنی و آگاهی طبقه متوسط به ویژه طبقه متوسط جدید ایران دانست که با میانجی‌گری نویسنده آن- چون نویسنده ایدئولوژی و آگاهی خود را از طبقه متوسط دریافت کرده است- آفریده شده است. ثانیاً مابین ویژگی طبقات اجتماعی و مناسبات میان آن‌ها که در مرحله دریافت از جهان تخیلی رمان استخراج و در ساختار معنادار آن در متن اجتماعی بررسی گردید از یک سو و ویژگی آن‌ها در جهان واقع از طرف دیگر انطباق و هم‌پوشانی چشم‌گیری وجود دارد. ثالثاً میان ایدئولوژی و ساختار ذهنی نویسنده که بازتاب آن‌را در این اثر ادبی مشاهده می‌کنیم، با ساختار ذهنی طبقه متوسط ایران هم‌ارزی بالایی وجود دارد، با این تفاوت که ظاهراً در اندیشه طبقه متوسط خصوصاً قشر روشنفکر آن رویکرد مرکزگریزی کمتر مشاهده می‌شود و می‌توان گفت که این قشر کم‌وبیش در همه مقاطع تاریخی از جمله دوران جنبش‌های پهلوی دوم از سیاست تمرکزگرایی اقتصادی و فرهنگی پشتیبانی نموده و رویکرد آن در عرصه نظر و عمل اقتدار دولت تمرکزگرا را تقویت کرده و در برخی از مشکلات کنونی این کشور که نتیجه اجرای چنین سیاستی است، سهیم بوده است. اما خصلت مرکزگریزی قهرمان‌های اصلی رمان مورد تحقیق را می‌توان به آگاهی ممکن نویسنده این اثر نسبت داد، به این معنی که نویسنده به عنوان فرد استثنایی طبقه متوسط، آگاهی ممکن این طبقه را در اثر خود انعکاس داده است. نویسنده خصلت غالب تمرکزگرایی این طبقه را به عنوان یک آسیب تشخیص داده و آمال و آرزوی خود را به عنوان عضوی از این گروه اجتماعی به ساختار ذهنی طبقه متوسط تعمیم داده است. این نکته را نیز باید اضافه کرد که نویسنده علاوه بر اینکه ایدئولوژی خود را از طبقه متوسط دریافت کرده است، ساختار ذهنی وی تحت تأثیر گروه قومی خود نیز بوده است، بنابراین می‌توان مشاهده خصلت ذاتی مرکزگریزی گروه‌های قومی ایران در اعضای روشنفکر آن را کاملاً طبیعی قلمداد کرد.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از دریافت و تشریح این اثر ادبی نشان می‌دهد که دغدغه نویسنده بررسی علل ناکامی و کامیابی جنبش‌های اجتماعی دوران پهلوی دوم بوده است. ساختار زیبایی‌شناختی و کلیت رمان «اشک سیلان» دلالت بر مبارزات مردم ایران و سرگذشت جنبش‌های اجتماعی دارد که در آن روابط متقابل اجزای آن، یعنی تقابل و همکاری گروه‌ها و طبقات اجتماعی، ایدئولوژی طبقه متوسط و دخالت بازیگران خارجی، کامیابی و ناکامی این جنبش‌ها را رقم می‌زند. جهان‌نگری طبقه متوسط ایران آمیزه‌ای از وجه انقلابی اسلام شیعی، سوسیالیسم و لیبرالیسم بوده است. این آمیزه‌ی ایدئولوژیک، اتحاد اعضای این طبقه را در مبارزات اجتماعی و نیز در مقابل دخالت قدرت‌های خارجی آسیب‌پذیر کرده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شخصیت‌های تفرندنیاخته داستان و واقع‌گرایی استعلایی رمان مورد تحقیق بازتاب شرایط عینی و استبداد تباهی‌کننده جامعه در دوران پهلوی دوم بوده است. چنین شرایطی باعث شده است که رمان عاری از حادثه فردی و قهرمان پروبلماتیک باشد و در نتیجه سرنوشت انسان به سرنوشت کلی جامعه و جنبش‌های اجتماعی گره زده شده است که در آن کامیابی و ناکامی طغیان‌های اجتماعی سعادت و بدبختی انسان‌ها را تعیین می‌کند. مقایسه الگوی ساختاری رمان «اشک سیلان» و شرایط عینی جامعه نشان می‌دهد که بین ساخت معنادار این اثر ادبی و ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه در زمان تولید آن که مصادف با دورانی است که حوادث جهان تخیلی رمان در بستر آن اتفاق می‌افتد، هم‌ارزی ساختاری در حد بالایی وجود دارد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در نهایت اینکه نظریه‌های جامعه‌شناسی ادبیات برای مطالعه آثار ادبی جامعه مدرن و سرمایه‌داری غرب ساخته و پرداخته شده‌اند و برای مطالعه آثار ادبی ایران که در شرایط متفاوتی خلق شده‌اند، نارسا هستند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود در مطالعات بعدی این نظریه‌ها با تغییراتی بکار برده شود و یا از تلفیقی از نظریه‌های موجود استفاده شود.

منابع

ایوتادیه، ژان (۱۳۷۷) نقد ادبی در سده بیستم، ترجمه محمد رحیم احمدی، تهران: سوره.

- توکل، محمد و دیگران (۱۳۸۸) جامعه‌شناسی معرفت، چاپ سوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دارابی، ابراهیم (۱۳۸۶) اشک سبلان، جلد اول و دوم، چاپ دوم، تهران: نشر دنیای نو.
- راودراد، اعظم (۱۳۸۲) نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زیما، پیرو (۱۳۷۷) روش‌های تجربی و دیالکتیکی در جامعه‌شناسی ادبیات، ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران: نقش جهان.
- سلدون، رمان و ویدوسون، پیترو. (۱۳۷۷) راهنمای نظریه ادبی، ترجمه عباس مخبر. تهران: طرح نو.
- شکیب، صادق (۱۳۸۶) نگاهی به رمان تاریخی اشک سبلان، پایگاه اطلاع‌رسانی فرهنگ توسعه: www.farhangetowsee.com
- فوران، جان (۱۳۷۷) تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
- قریشی، فردین (۱۳۸۴) بازسازی اندیشه دینی در ایران، تهران: قصیده سرا.
- گلدمن، لوسین و تئودور آدرنو (۱۳۷۷) درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات، ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران: نشر چشمه.
- گلدمن، لوسین (۱۳۸۲) نقد تکوینی، ترجمه: محمدتقی غیائی، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
- لوکاچ، جورج (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی رمان: بالزاک، زولا، استاندال، ترجمه محمدجعفر پوینده، چاپ دوم، تهران: تجربه.
- مارکس، کارل (۱۸۵۹) سرمایه: نقد اقتصاد سیاسی، لندن (پیش‌گفتار چاپ اول) برگرفته از سایت: www.kapitalfarsi.com
- محمدزاده صدیق، حسین (۱۳۸۹) درباره رمان اشک سبلان، تهران: نشر دنیای نو (از کتاب اشک سبلان از دیدگاه منتقدین).
- مصباحی پور ایرانیان، جمشید (۱۳۵۸) واقعیت‌های اجتماعی و جهان داستان، تهران: امیر کبیر.
- محمودیان، محمد رفیع (۱۳۸۲) نظریه رمان و ویژگی‌های رمان فارسی، تهران: نشر فرزانه روز.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی